

الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران

دکتر شهلا کاظمی پور
عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه تهران

چکیده

در نظام قشربندیهای اجتماعی و انعطاف پذیر بودن یا انعطاف ناپذیری آن، فرصتهای متفاوتی است که جامعه برای گذر از یک قشر به قشر دیگر به افراد عرضه می‌کند.

طی مطالعه‌ای موردی در زمینه ساختار طبقاتی و چگونگی تحرک اجتماعی در شهر تهران در سال ۱۳۷۴ به این نتیجه رسیدیم که ۲۲/۹ درصد از جامعه مردان شاغل ۳۰ سال به بالای ساکن شهر تهران در مراتب بالای اجتماعی - اقتصادی قرار داشته، ۳۸/۷ درصد در طبقه متوسط و ۳۸/۴ درصد در طبقات پایین جامعه قرار داشته‌اند. مقایسه منزلت طبقه‌ای پاسخگویان با پایگاه اجتماعی اقتصادی پدرشان تحرک اجتماعی را نشان داد که در تحویل و تحول میان دو نسل ۳۸/۷ درصد نسل کنونی همان وضع طبقاتی نسل پیشین خود را حفظ کرده و ۶۱/۳ درصد آن را تغییر داده‌اند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که جامعه شهر تهران از نظر ساختار طبقاتی یک جامعه باز بوده ولی میزان جابه جایی و تحرک اجتماعی فقط در حد یک طبقه بوده است.

واژگان کلیدی: منزلت اجتماعی، قشربندی اجتماعی، نابرابری اجتماعی، ساخت اجتماعی.

مقدمه

اگر برای انسانها صفت انسان بودن یا موجود زنده بودن را در نظر بگیریم، همه انسانها با هم برابرند ولی به محض در نظر گرفتن صفت دیگری مانند جنس، سن، هوش، زیبایی و ... بین انسانها تفاوت و نابرابری به وجود می‌آید. در صورتی که بین انسانها از نظر برخورداری از امکانات و مزایای اقتصادی - اجتماعی نیز تفاوت وجود داشته باشد، میزان نابرابری افزوده می‌شود. حال باید دید که چگونه می‌توان نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی را در هر جامعه محاسبه کرد.

در حد خرد، هر فردی با فرد دیگر تفاوت‌هایی دارد و به تعبیر کلی می‌توان گفت که، به تعداد انسانها در هر جامعه تفاوت وجود دارد و در چنین وضعی امکان مقایسه و تفکیک نیست. به همین جهت جامعه‌شناسان برخی از صفات اساسی را انتخاب می‌کنند و اعضای جامعه را بر حسب این صفات و فعالیتها طبقه‌بندی می‌نمایند. بنابراین در صورت انجام این گونه طبقه‌بندی، تفکیک اجتماعی صورت می‌گیرد.

نکته مهم دیگری که در ساختار طبقاتی جوامع مطرح است، جابه‌جایی و تحرک اجتماعی افراد در بین طبقات مختلف است. در برخی از جوامع امکان چنین جابه‌جایی و تحرک وجود ندارد و در عوض برخی دیگر از جوامع دارای پویایی و تحرک اجتماعی زیادی می‌باشند و افراد با کسب یا از دست دادن فرصتهای زندگی به طبقات دیگر انتقال می‌یابند. این چنین جوامعی به جوامع باز معروف‌اند. در جوامع باز معمولاً افراد جهت کسب هر چه بیشتر فرصتهای زندگی، بیشتر تلاش می‌کنند و جامعه از پویایی و تحرک زیادی برخوردار است.

شناخت چگونگی تحرک اجتماعی و میزان این تحرک نیز در زمره مطالعات اجتماعی است و نتایج آن می‌تواند به برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریهای جامعه کمک نماید.

جهت پاسخگویی به شناخت ملاکها و معیارهای تعیین‌کننده طبقات اجتماعی، تعلقات طبقه‌ای افراد و میزان تحرک اجتماعی در ایران، شهر تهران چون دارای بیشترین پیچیدگی اجتماعی در میان شهرهای کشور بوده و در ضمن به دلیل گسترش بی‌رویه و مهاجرپذیری شدید و صنعتی تر بودن نسبت به سایر نقاط کشور و برخورداری از بیشترین میزان تحرک اجتماعی، به عنوان شهر نمونه انتخاب شده و مورد مطالعه تجربی قرار گرفته است.

این مطالعه شامل دو بخش نظری و عملی است.

در بخش نظری پس از مرور نظرهای مربوط به قشربندی اجتماعی، تحرک اجتماعی و مهاجرت، چارچوب نظری طرح تجربی، مشخص و سپس از طریق تحقیق پیمایشی، ساختار طبقاتی جمعیت تهران و تحرک اجتماعی و شغلی در میان مردان شاغل ۳۰ سال به بالا مورد بررسی قرار گرفت. جامعه نمونه آماری شامل ۱۵۰۰ نفر بود که از طریق نمونه گیری تلفیقی در سه مرحله از ساکنان مناطق مختلف شهر تهران انتخاب شدند. در ضمن جهت سنجش منزلت شغلی از طریق تنظیم پرسشنامه‌ای شامل ۸۸ شغل متداول در جامعه، از ۹۰۰ نفر از پاسخگویان به طریق تصادفی، نظرسنجی به عمل آمد. اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق از طریق بسته نرم‌افزاری SPSS استخراج و تجزیه و تحلیل شد. زمان آمارگیری، بهار سال ۱۳۷۴ بوده است.

این مقاله چکیده‌ای از یافته‌های تحقیق فوق است، با این امید که مورد استفاده استادان، محققان و دانشجویان قرار گیرد.

طرح مسأله

اکثر جامعه‌شناسان معتقدند که، در همه جوامع انسانی نابرابری وجود دارد. حتی در ساده‌ترین فرهنگها، که اختلاف در ثروت و دارایی عملاً به چشم نمی‌خورد، نابرابری میان افراد وجود دارد. به عنوان مثال ممکن است فردی به واسطه دلاوری خاص، شکار یا از آن روی که گمان می‌رود دسترسی ویژه‌ای به ارواح نیاکان دارد، منزلتی برتر از دیگران داشته باشد (گیدنز ۱۳۷۲، ص ۲۱۹).

هر چه افراد در یک جامعه بیشتر بتوانند از بختها و فرصتهای زندگی استفاده کنند از موقعیت و پایگاه بالاتری برخوردار می‌شوند. بنابراین تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی، علاوه بر پدید آوردن طبقات مختلف در جامعه، ایجاد یک نوع سلسله مراتب اجتماعی نیز می‌نمایند. طبقاتی در مراتب بالای اجتماعی قرار می‌گیرند و طبقاتی در سطح زیرین جامعه، که از کمترین فرصتهای زندگی برخوردارند.

ژان ژاک روسو یکی از پیشقراولان تفکر جامعه‌شناختی معتقد است که، میان انسانها دوگونه نابرابری وجود دارد: یکی جسمی که از طبیعت مایه می‌گیرد و تفاوت در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیات ذهنی یا روحی را شامل است و یکی، که می‌توان آن را نابرابری اخلاقی و سیاسی نامید مبتنی بر نوعی قرارداد است که در نتیجه توافق و تراضی انسانها ایجاد و یا دست

کم مجاز می‌شود و شامل امتیازهای متفاوتی است که برخی افراد به زیان دیگران از آن بهره می‌برند. مانند ثروتمندتر، محترم‌تر از دیگران و یا حتی دیگران را به اجبار به اطاعت و فرمانبرداری واداشتن.

بنابراین هر جامعه از تعدادی سلسله مراتب عمودی ساخته شده است که مبنای هر یک از آنها مبتنی بر ارزشهای خاصی است. کسانی که در رده بالای این سلسله مراتب قرار دارند دارای منزلت اجتماعی بیشتر، نیروی بیشتر و قدرت بیشتر از کسانی هستند که در پایین سلسله مراتب قرار گرفته‌اند (محسنی ۱۳۶۶، ص ۵۴۸).

جامعه‌شناسان برای توصیف نابرابری از وجود قشربندی اجتماعی سخن می‌گویند. قشربندی را می‌توان به عنوان نابرابریهای ساختارمند میان گروه‌بندیهای مختلف مردم تعریف کرد. قشربندی اجتماعی عبارت است از تقسیم مردم یک جامعه به دو یا چند قشر (لایه) که هر یک در جامعه نسبتاً دارای مرتبه همانندی هستند و هر قشر با سطح معینی از "قدرت"، "ثروت" و "منزلت اجتماعی" از دیگران متمایز می‌گردند.

طبقه اجتماعی، به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می‌شود که از نظر ارزشهای مشترک، حیثیت و فعالیتهای اجتماعی، میزان ثروت و تعلقات شخصی و نیز آداب معاشرت از بخشهای دیگر جامعه تفاوت داشته باشند (کوئن ۱۳۷۰، ص ۱۷۸).

طبقه اجتماعی اشخاص و گروههایی را شامل می‌شود که همچون یک واحد اجتماعی در نظام سلسله مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند. قشربندی اجتماعی مفهومی کلی‌تر و بالنسبه عام‌تر است و از این رو طبقه اجتماعی نوعی از قشربندی اجتماعی به حساب می‌آید (محسنی، همان، ص ۵۰).

به طور کلی می‌توان گفت که طبقه اجتماعی عبارت است از گروه بسیار وسیعی که دربرگیرنده پایگاههای متعدد و مشابه‌ای است.

گورویچ، که مطالعات وسیعی در زمینه طبقه اجتماعی به عمل آورده در تعریف طبقه اجتماعی می‌گوید: طبقات اجتماعی عبارت‌اند از گروههای خاص بسیار وسیع مرکب از گروههای فرعی متعدد، که از وحدتی خاص برخوردارند، در برابر نفوذ جامعه کل، مقاومت می‌کنند، دارای شالوده‌پذیری آگاهی جمعی، خرده فرهنگ خاص و تباین اساسی بین خود هستند و به صنعت وابسته‌اند (وثوقی ۱۳۷۲، ص ۲۴۲).

ابن خلدون می‌گوید، افراد جامعه با دو ملاک "جاه" و "ثروت" به طبقاتی تقسیم می‌شوند و در یک سلسله مراتب طولی قرار می‌گیرند. او معتقد است که، عدای نان جاه خود را

می‌خورند. کار اندک آنان به علاوه جاه فراوان، موجب تجمع و انبوه ثروت برای آنها می‌شود. در واقع جاه ارزش کارها را افزایش می‌دهد (ابن خلدون ۱۳۵۹، ص ۷۷۰). نقش جاه به قدری از نظر ابن خلدون حائز اهمیت است که شخص فاقد جاه به پایین‌ترین طبقه تنزل می‌یابد و بیش از سد جوع نمی‌تواند از ثروت بهره‌گیرد.

مارکس که آرای او بیش از همه با قشربندی اجتماعی در ارتباط است، تعارض میان طبقات را اصل‌گریزناپذیر جامعه می‌داند و معتقد بود که پایگاه طبقاتی افراد، به رابطه آنها با وسایل تولید بستگی دارد. بدین سان که مالکان منابع طبیعی و کارخانه‌ها، پایگاه‌های طبقاتی بالاتری در جامعه اشغال می‌کنند. او جامعه را به دو طبقه اصلی تقسیم کرده بود: طبقه مالکان وسایل تولید و کارگران فاقد این وسایل (کوئن، همان، ص ۱۸۶).

مارکس و اکثر مارکسیست‌ها ملاک‌های زیر را به عنوان نشانه‌های مثبت طبقه در نظر گرفته‌اند. "نقش طبقه در تولید"، "گردش و توزیع ثروت"، "شرکت در تخصیص اجتماعی" و تسلط بر افزار دولت به عنوان آلت ستمگری یک طبقه بر طبقات دیگر و بالاخره آگاهی یافتن طبقاتی. ماکس وبر طبقه اجتماعی را به صورت چند بعدی در نظر می‌گیرد. از دید او هر طبقه اجتماعی بر چند عنصر بنیادی و قابل تشخیص استوار است که عبارت‌اند از: "قدرت"، "ثروت" و "حیثیت".

شخص ممکن است بر حسب یک متغیر رتبه‌اش بالا و طبق متغیر دیگر مرتبه‌اش پایین باشد. مزیت روش وبر بر مارکس این است که علاوه بر منزلت اقتصادی متغیرهای دیگری را در تشخیص طبقه دخالت می‌دهد (کوئن، همان، ص ۱۸۶).

فونکسیونالیست‌ها معتقدند که، قشربندی اجتماعی برای این وجود دارد که نیازهای جامعه بهتر برآورده شود. آنها بر این باورند که، پادشاهی چون درآمد، قدرت و منزلت باید در میان اعضای جامعه نابرابرانه توزیع شود تا مهمترین پایگاهها در اختیار شایسته‌ترین افراد قرار گیرد. نظریه پردازان مخالف فونکسیونالیست‌ها برعکس معتقدند که، این پادشاهی باید در میان اعضای جامعه برابره توزیع شود. به نظر این گروه نابرابری به کارکرد ذاتی جامعه ارتباطی ندارد؛ بلکه محصول استثمارِ نادران به دست دارایان است. این نظریه پردازان معتقد نیستند که بقای جامعه در گرو توزیع نابرابرانه پادشاهی میان اعضای جامعه است (کوئن، همان، ص ۱۸۵). لنسکی در کتاب خود به نام *سیر جوامع بشری* می‌نویسد که، نابرابری با توجه به طبیعت انسانی اجتناب‌ناپذیر ولی درجه نابرابری با توجه به طبیعت انسانی متفاوت است و هر چه شخص از جامعه‌ای با تکنولوژی ابتدایی به جامعه با تکنولوژی پیشرفته نزدیک می‌شود،

ضرورت تحلیل چند بعدی بیشتر نمایان می‌گردد.

بررسی آرای فوق چند پرسش اساسی را مطرح می‌کند که، هر تحلیل‌گر قشربندی اجتماعی باید به پاسخ دادن به آن اهتمام ورزد:

۱. در هر جامعه چند قشر را باید تمیز داد؟

۲. برای تشخیص قشرها چه معیارهایی باید به کار برد؟

مدتها روال معمول این بود که افراد هر جامعه را به طبقه "پایین"، "متوسط" و "بالا" تقسیم‌بندی کنند. بیشتر جامعه‌شناسان بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند که در جامعه‌های پیشرفته امروز، تعداد قشرهای اجتماعی معلوم نیست و نمی‌توان پیشاپیش آنها را به دو، سه یا چهار قشر یا به تعداد دیگر تقسیم کرد.

در گذشته شاید وضع طبقاتی اشخاص روشن‌تر بود و می‌شد مثلاً آنها را به اشراف، آزادمردان، و بردگان تقسیم کرد.

در حال حاضر نمی‌توان از تعداد قشرهایی که در هر جامعه باید تشخیص داد، بی‌در نظر گرفتن تعداد ملاک‌هایی که در این تشخیص دخیل هستند، حرفی زد.

بسیاری از محققان قشربندی اجتماعی عوامل متعددی از جمله شغل، میزان درآمد، منبع درآمد، نوع مسکن، ناحیه محل سکونت و تحصیلات را جهت تعیین طبقه اجتماعی انتخاب می‌کنند.

در جوامع گذشته، به علت ساخت اجتماعی و به تبع آن ساخت قشربندی متعصب و نفوذناپذیر، اعضای جامعه در همان حلقه یا قشر اجتماعی‌ای که به دنیا می‌آمدند دوره نوجوانی و جوانی را طی می‌کردند، شغل پدر یا خانوادگی خویش را می‌آموختند و از همان راه‌گذران زندگی می‌کردند و به پیری و کهنسالی می‌رسیدند و سرانجام در همان طبقه یا قشر چشم از جهان فرو می‌بستند.

ترک شغل موروثی و پرداختن به مشاغل بالاتر، در حالی که طبقات بالاتر ممانعت می‌کردند، در عین حال امری خلاف و نابخشودنی محسوب می‌شد.*

نظامهای قشربندی از لحاظ میزان انعطاف‌پذیری یا برعکس از لحاظ انعطاف‌ناپذیری

*. داستان دهقانی که می‌خواست بخشی از هزینه‌های لشکر در حال جنگ انوشیروان، پادشاه ساسانی را که به دلیل خالی شدن خزانه دولتی دچار

مشکل شده بود، بپردازد و در مقابل، اجازه تحصیل فرزند خود را از انوشیروان بگیرد مشهور است و آن‌گونه که نقل شده پادشاه از بیم آنکه مبادا

این دهقان‌زاده از موقعیت دهقانی به سوغیتهای بالاتر برسد، با این تقاضا مخالفت کرد.

متفاوت‌اند. منظور از انعطاف‌پذیر بودن یا نبودن یک نظام قشربندی، فرصتهای زیاد و یا کمی است که جامعه برای گذر از یک موقعیت به موقعیت دیگر و بالمآل از یک قشر به قشر دیگر، در مقیاس اجتماعی، به افراد عرضه می‌کند (تامین ۱۳۷۳، ص ۱۴۷).

مطالعه این جابه‌جایی، علتها، مدلهای و پیامدهایش موضوع مطالعه تحرک اجتماعی است. اصطلاح تحرک اجتماعی به حرکت افراد از یک منزلت اجتماعی به منزلت دیگر اطلاق می‌شود و در معنای عام، "تحرک اجتماعی" شامل هرگونه جابه‌جایی انسان در مکان، زمان و در ساختار اجتماعی است. هر چند که گاهی از اصطلاح تحرک، بهبود وضعیت استنباط می‌شود؛ منتها این واژه در بررسی سه جهت ممکن هر حرکتی کاربرد دارد. از پایین به بالا، از بالا به پایین و میان دو موقعیت همسطح. این سه نوع حرکت را به ترتیب، تحرک ارتقایی، نزولی و افقی می‌نامند.

تحرک ارتقایی و نزولی از نوع تحرک اجتماعی عمودی هستند. این نوع تحرک عبارت است از انتقال فرد از یک پایگاه به پایگاه اجتماعی ناهمانند. در صورتی که فرد از یک پایگاه اجتماعی پایین به پایگاه اجتماعی بالاتر انتقال یابد، از نوع صعود اجتماعی است و اگر فرد از پایگاه اجتماعی بالا به پایگاه اجتماعی پایین‌تر منتقل شود، می‌گوییم تنزل اجتماعی پیدا کرده است؛ و تحرک افقی، نوعی از تحرک اجتماعی است که فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی همانند انتقال می‌یابد (وثوقی، همان، ص ۲۳۷).

هر تحرکی باید در زمان و مکان صورت گیرد. اما میان تحرک فیزیکی یا جغرافیایی و تحرک اجتماعی تفاوتی وجود دارد. تحرک اجتماعی، ناظر بر دگرگونی در پایگاه یک شخص یا یک گروه و تحرک جغرافیایی جابه‌جایی در فضای فیزیکی است.

تحرک جغرافیایی یا مکانی معمولاً مهاجرت نامیده می‌شود که جابه‌جایی انسانها از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر است. در نظریه مندراس اشاره شده که مهاجرت اگر به تغییر مکانی بینجامد باز هم صورتی از تحرک اجتماعی است.

تحرک اجتماعی در جامعه‌های مختلف، از لحاظ چگونگی وضعیت انتقال از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر، تفاوت دارد. در بعضی از جامعه‌ها امکان تحرک اجتماعی میسر است و پاره‌ای از جامعه‌ها از این حیث وضعیتی دشوار دارند و در برخی از جامعه‌ها تحرک اجتماعی ناممکن است. بنابراین جوامع را می‌توان در این زمینه به چهار نوع تقسیم کرد: جامعه باز، جامعه بسته، جامعه نیمه باز و جامعه کاستی (وثوقی، همان، ص ۲۳۶). سوروکین در کتابش به نام "تحرک اجتماعی" خاطر نشان می‌کند که، جامعه ایده‌آل جامعه‌ای است که در آن

فرد بر طبق لیاقت خودش، کار و موقعیت اجتماعی پیدا می‌کند اما در عمل نیل به این هدف بسی دشوار است (اشرف ۱۳۴۶، ص ۲۳).

بسیاری از مردم در جوامع امروزی گمان می‌کنند هر کس که سختکوش و با پشتکار کافی باشد می‌تواند به بالاترین موقعیتها برسد. با وجود این آمار نشان می‌دهد که تعداد بسیار کمی در این کار موفق می‌شوند. چرا این کار باید چنین دشوار باشد؟ از یک جهت پاسخ بسیار ساده است. حتی در یک جامعه کاملاً باز و سیال، که همه افراد دقیقاً فرصت برابر برای رسیدن به بالاترین موقعیتها را داشته باشند، تنها اقلیت کوچکی موفق خواهند شد.

جامعه‌شناسان بیشتر در صدد شناخت سلسله مراتب یا نردبانی از پایگاههای اجتماعی هستند که افراد بر روی آن بالا و پایین می‌روند. موقعیت هر فرد در این نردبان «طبقه یا پایگاه» از طریق عوامل زیادی تعیین می‌شود. میزان تحصیلات، جنسیت، نژاد و قومیت، حجم خانواده، شغل پدر، حق تقدم فرزندان، ازدواج و چشم‌پوشی از مزایای حال به خاطر تضمین آینده، برنامه‌های دولتی و اصل و نسب خانوادگی از جمله این عوامل اند.

در مطالعه تحرک اجتماعی جامعه‌شناسان می‌خواهند بدانند که چگونه عوامل گوناگون، در تحرک اجتماعی گروهها یا افراد نقش بازی می‌کنند. از این گذشته می‌خواهند شدت و ضعف این تحرک را در جوامع مختلف مورد بررسی قرار دهند (کوئن، همان، ص ۱۹۶). برخی از جامعه‌شناسان مهاجرت گروههای روستایی را به شهرها و تغییر شغل، افزایش درآمد و تحصیلات را از عوامل مؤثر تحرک اجتماعی می‌دانند و عقیده دارند که یک یا چند عامل از عوامل مذکور می‌تواند باعث بالا رفتن افراد در قشرهای اجتماعی گردد (لاروک ۱۳۴۶، ص ۵۵). میزان تحرک عمودی در جامعه یکی از شاخصهای عمده میزان باز بودن آن جامعه است و نشان می‌دهد تا چه اندازه افراد با استعداد که در قشرهای پایین تر متولد می‌شوند، می‌توانند از نردبان اجتماعی - اقتصادی بالا بروند.

یک جامعه‌شناس می‌کوشد دریابد که عوامل اجتماعی چگونه در تحرک اجتماعی افراد و گروهها نقش بازی می‌کنند و از طرف دیگر می‌کوشد تا تأثیرات تحرک اجتماعی را بر فرد و کل جامعه دریابد. بررسی تحرک اجتماعی مسائل گوناگونی به همراه دارد.

چگونه می‌توان یک سنجه کلی تحرک برای جامعه یا برای یک شخص بر پایه چنین مقیاس قشربندی محاسبه کرد؟

صورت‌های گوناگون نظام تحرک اجتماعی، ما را متوجه پیچیدگی مسائل اندازه‌گیری شاخصهای پدیده تحرک می‌کند.

تعیین ملاکها و معیارهای تحرک اجتماعی، انواع تحرک اجتماعی (درون نسلی یا بین نسلی) و پیامدهای آن، از جمله مطالعات عمده جامعه‌شناختی در اکثر کشورهاست. تحرک اجتماعی معمولاً ناشی از دو عامل، یکی تحرک ناشی از گردش طبقات و دیگری تحرک ساختی است.

تحرک ناشی از گردش طبقات معمولاً از طریق تغییر شغل، کسب درآمد بیشتر، برخورداری از آموزش بیشتر، مناسبات خانوادگی و روابط قومی ناشی می‌شود، و تحرک ساختی، ناشی از تحولات اقتصادی - اجتماعی جامعه و تغییر ساختارهای سکونتی و اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. مهمترین تغییرات اقتصادی اجتماعی جوامع متأثر از جابه‌جایی‌های جمعیت بین مناطق شهری و روستایی است.

در جامعه ما میزان تحرک اجتماعی، ویژگیهای آن و چگونگی تأثیر عوامل گوناگون در این تحرک، به عنوان یکی از مطالعات بنیادی جامعه‌شناختی می‌باشد که با همین هدف تحقیقی در زمینه تحرک اجتماعی، در بین مردان شاغل ۳۰ سال به بالای شهر تهران، انجام گردید.

هدفهای این بررسی عبارت‌اند از:

- تعیین منزلت مشاغل جهت استفاده از آن در طبقه‌بندی مشاغل.
- طبقه‌بندی ارزشی مشاغل.
- تعیین میزان تأثیر شاخصهای مؤثر در ساختار طبقاتی شهر تهران.
- تعیین الگوی ساختار قشربندی اجتماعی در شهر تهران.
- تعیین پایگاههای اقتصادی - اجتماعی افراد و پدر هر یک از افراد از طریق الگوی ارائه شده در مرحله قبل.
- تعیین چگونگی تحرک اجتماعی بین نسلی در شهر تهران از طریق مقایسه پایگاههای اجتماعی، اقتصادی اعضای جامعه با پایگاه اجتماعی، اقتصادی پدر هر یک از اعضا.
- تعیین شاخصهای مؤثر در تحرک اجتماعی و میزان تأثیر هر کدام از آنها در تحرک اجتماعی.
- تعیین میزان تحرک اجتماعی به تفکیک صعودی و نزولی، ساختی و گردشی.

یافته‌های تحقیق

چنانکه قبلاً اشاره کردیم، جامعه آماری در این بررسی شامل ۱۵۰۰ نفر از مردان شاغل ۳۰ سال به بالای ساکن شهر تهران می‌باشد که میانگین سنی آنها حدود ۴۴ سال بوده است.

در بین گروه فوق فقط ۳۸ درصد متولد تهران و بقیه متولد شهرها و یا روستاهای دیگر بودند که به تدریج از زمان طفولیت یا در زمان بزرگسالی به تهران مهاجرت کرده و در این شهر سکنی گزیده‌اند. ۱۴ درصد از این گروه متولد مراکز استان، ۱۳/۶ درصد متولد شهرهای متوسط، ۶/۲ درصد متولد شهرهای کوچک و ۲۸ درصد نیز متوسط مناطق روستایی بودند. با توجه به این ارقام می‌توان گفت که در سال ۱۳۷۴ حدود یک سوم از مردان شاغل ۳۰ سال به بالای شهر تهران روستازاده بوده‌اند.

سن متوسط مهاجران به شهر تهران ۱۹/۶ سال بوده یعنی افراد فوق‌الذکر به طور متوسط در سن ۲۰ سالگی به تهران مهاجرت کرده‌اند.

متوسط مدت اقامت پاسخگویان مهاجر در شهر تهران برابر ۲۰/۸ سال به دست آمده یعنی مردان مهاجر به طور متوسط ۲۱ سال در شهر تهران ساکن بوده و به کار اشتغال داشته‌اند. در نظرسنجی از این گروه در مورد علت مهاجرتشان به تهران آنها به دلایلی به شرح زیر اشاره کرده‌اند:

جستجوی کار (۲۶/۲ درصد)، تبعیت از خانواده (۱۸/۷ درصد)، ادامه تحصیل (۱۷/۷ درصد)، جستجوی کار بهتر (۱۵/۰ درصد)، بهتر شدن شرایط زندگی (۱۲/۲ درصد)، انتقال کار (۷/۷ درصد) و جنگ (۱/۲ درصد).

در میان عوامل فوق اگر مقولات جستجوی کار، کار بهتر و انتقال کار را در یک مجموعه قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم که نزدیک به نیمی از مهاجران در این بررسی به دلیل کسب کار و یا انتقال کار به تهران آمده‌اند.

بهتر شدن شرایط زندگی نیز به نحوی به مسائل کار و اشتغالات مربوط می‌شود. معادل ۹۰ درصد از پاسخگویان در این بررسی متأهل، ۷/۱ درصد هرگز ازدواج نکرده، ۱/۹ درصد بدون همسر در اثر فوت و ۱/۰ درصد بدون همسر در اثر طلاق بوده‌اند. میانگین سن ازدواج پاسخگویان متأهل ۲۵/۴ سال و میانگین سن ازدواج همسران آنها حدود ۲۰ سال بوده است.

حدود یک چهارم از همسران پاسخگویان متأهل شاغل، ۰/۴ درصد بیکار و بقیه خانه‌دار بودند. متوسط تعداد برادر و خواهر پاسخگویان حدود ۵ نفر به دست آمده که اگر این عدد را با خود پاسخگو جمع کنیم متوجه می‌شویم که متوسط تعداد فرزندان در میان خانواده پدری پاسخگویان حدود ۶ بچه بوده است.

میانگین بعد خانوار در میان خانواده پاسخگویان برابر ۴/۵ نفر است.

در این بررسی، به منظور تعیین میزان تحرک اجتماعی مردان شاغل ۳۰ سال به بالای ساکن شهر تهران، ابتدا می‌بایست پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها در سلسله مراتب اجتماعی مشخص می‌شد تا سپس از طریق مقایسه آن با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر هر یک بتوان به میزان تحرک اجتماعی آنها پی برد.

جهت تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان، ابتدا پایگاههای اقتصادی، تحصیلی، شغلی و موقعیت محله مسکونی آنها را مشخص و سپس از تلفیق آنها مرتبه پایگاه اجتماعی - اقتصادی هر فرد را تعیین کردیم.

سؤالهای طرح شده جهت تعیین پایگاه اقتصادی پاسخگویان به سه صورت، گویه‌های اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای بودند.

این گویه‌ها عبارت‌اند از: نحوه تصرف واحد مسکونی، تعداد و نوع وسیله نقلیه مورد تصرف شخص، وسیله نقلیه مورد استفاده شخص در سفر، مشکلات محله‌ای در محل مسکونی (جهت سنجش منزلت محله‌ای)، درآمد دلخواه برای تأمین هزینه‌های زندگی، متوسط هزینه زندگی در ماه، سطح زیربنای منزل مسکونی و قیمت تقریبی منزل مسکونی.

پس از جمع‌آوری اطلاعات و استخراج آنها، ابتدا بین گویه‌های طرح شده، جهت تعیین پایگاه اقتصادی پاسخگویان همبستگی درونی محاسبه شد تا مشخص گردد که کدام یک از متغیرها با مجموع نمره‌های سایر متغیرها همبستگی دارند. سپس از طریق روش تحلیل عامل و دخالت کلیه متغیرها مشخص گردید که اولاً متغیر نحوه تصرف واحد مسکونی با مجموع سایر متغیرها همبستگی درونی ندارد ولی سایر متغیرها به نسبت‌های مختلف در این شاخص مؤثر می‌باشند. بیشترین تأثیر در جدول رگرسیونی پایگاه اقتصادی پاسخگویان را قیمت منزل مسکونی (با ۰/۷۱ واحد ضریب تأثیر) و کمترین تأثیر را مشکلات محله‌ای (با ۰/۴۰ واحد ضریب تأثیر) داشته‌اند.

حاصل جمع نمره‌های داده شده به هر گویه با احتساب ضریب تأثیر هر کدام، برای هر پاسخگو نمره‌ای تعیین می‌کند که ما آن را نمره پایگاه اقتصادی پاسخگویان نامیدیم. سپس از طریق توزیع نمره‌ها در منحنی نرمال، نمره پایگاه اقتصادی پاسخگویان را به پنج گروه از پایگاه اقتصادی خیلی ضعیف تا خیلی قوی طبقه‌بندی کردیم. جدول زیر نتیجه این محاسبات را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب نمره پایگاه اقتصادی آنها

درصد	مرتبه پایگاه اقتصادی
۵/۹	خیلی ضعیف = ۱
۲۸/۶	ضعیف = ۲
۴۱/۷	متوسط = ۳
۱۹/۲	قوی = ۴
۴/۵	خیلی قوی = ۵
۱۰۰/۰	جمع

چنانکه ارقام جدول فوق نشان می‌دهد براساس منحنی نرمال ۴۲ درصد از پاسخگویان در پایگاه اقتصادی متوسط، ۱۹/۲ درصد در پایگاه اقتصادی قوی، ۴/۵ درصد در پایگاه اقتصادی خیلی قوی و ۲۹ درصد در پایگاه اقتصادی ضعیف و بالاخره ۵/۹ درصد در پایگاه اقتصادی خیلی ضعیف قرار گرفته‌اند. به این پایگاه اقتصادی به ترتیب از ضعیف به قوی از نمره یک تا پنج داده شده است.

شاخص سواد و تحصیلات جامعه مورد مطالعه

سواد و تحصیلات افراد از طرفی یکی از متغیرهای اساسی مؤثر در شاخص پایگاه اجتماعی اقتصادی آنها بوده و از طرف دیگر به نحو مؤثری در تحرک اجتماعی افراد دخالت داشته است. به همین جهت سواد و تحصیلات پاسخگویان در این بررسی مورد سؤال قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که ۴ درصد از پاسخگویان بی‌سواد و بقیه باسواد بودند. میانگین سالهای تحصیل برای پاسخگویان باسواد حدود ۱۱ سال به دست آمده است. بیشترین سهم باسوادان، دارای دیپلم متوسطه (۲۴ درصد) و لیسانس (۱۹/۵ درصد) و کمترین نسبت آنها دارای درجه دکترا (۳ درصد) بوده است.

میزان سواد و تحصیلات پاسخگویان را، که به صورت یک متغیر اسمی می‌باشد، از طریق نمره دادن به شرح زیر به صورت یک متغیر رتبه‌ای درآوردیم.

بی‌سواد = ۱

ابتدایی - راهنمایی و متوسطه = ۲

دیپلم و فوق‌دیپلم = ۳

لیسانس = ۴

فوق لیسانس و دکترا = ۵

جهت ساختن شاخص سواد و تحصیلات پاسخگویان، فقط به میزان سواد و تحصیلات آنها اکتفا نکردیم بلکه زمان اخذ مدرک را نیز در این شاخص در نظر گرفتیم. برای اینکه چه بسیار افراد که با گرفتن مدرک تحصیلی بالاتر در سنین بالا نتوانند از تحرک اجتماعی لازم برخوردار شوند. به همین جهت سال اخذ مدرک تحصیلی برای افراد دیپلم به بالا مورد پرسش قرار گرفت. سپس به کسانی که در سنین مناسب (۱۸ و ۱۹ سال برای دیپلمه‌ها، کمتر از ۲۲ سال برای فوق دیپلمه‌ها، کمتر از ۲۴ سال برای لیسانسیه‌ها، کمتر از ۲۶ سال برای فوق لیسانسیه‌ها و کمتر از ۳۰ سال برای دکترها) موفق به کسب مدرک خود شده بودند، نمره ۵ و به کسانی که در سالهای بعد مدرک خود را کسب کرده بودند به ترتیب نمره‌های ۴، ۳، ۲ و ۱ داده شد.

پس از احتساب ضرایب فوق در مدرک تحصیلی پاسخگویان، میانگین نمره تحصیلی آنها مجدداً به ۵ گروه، از تحصیلات کم تا افراد تحصیل کرده، طبقه‌بندی شد.

شاخص پایگاه شغلی پاسخگویان

تا به حال جهت تعیین منزلت مشاغل، دو روش کلی ابداع شده است: ۱. روش عینی، ۲. روش ذهنی.

در روش اول، محقق مشاغل را با توجه به مدارج آن در سلسله مراتب اجتماعی، با استفاده از تجربه‌های خود و تحقیقات قبلی طبقه‌بندی می‌کند، ولی در روش ذهنی به هر شغل در فهرست مشاغل براساس قضاوت افکار عمومی، یک امتیاز منزلتی داده می‌شود، پس از آن مشاغل براساس امتیازهایشان طبقه‌بندی می‌شوند.

در این بررسی جهت تعیین سلسله مراتب منزلت شغلی پاسخگویان از هر دو روش (عینی و ذهنی) استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا ۸۸ عنوان شغلی از مهمترین مشاغل رایج در جامعه، همراه با یک طیف پنج قسمتی (عالی = ۱۰۰، خوب = ۸۰، متوسط = ۶۰، ضعیف = ۴۰ و بد = ۲۰) در اختیار تعدادی پاسخگو (۹۰۰ نفر) قرار داده شد تا پاسخگویان نظر کلی جامعه را در مورد این مشاغل براساس طیف پنج قسمتی مشخص نمایند. سپس از مجموع ارزشهای تعیین شده برای هر شغل میانگین رتبه‌ای گرفته شد.

بالاترین نمره به دست آمد، به پزشک با نمره ۹۷/۲ (از ۱۰۰ نمره) و پایین‌ترین نمره مربوط به واکسی با نمره ۳۳/۶ بوده است.

پس از مشخص کردن میانگین ارزش هر یک از مشاغل از دید پاسخگویان به روش کلاستر* از طریق کامپیوتر، این مشاغل را به ۸ گروه جزئی و ۵ گروه کلی طبقه‌بندی کردیم که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

در مرحله دوم با مراجعه به تحقیقات انجام شده در این زمینه، که مهمترین آن مربوط است به تحقیق تحرک اجتماعی در میان شاغلان شهرهای تهران و شیراز (که در سال ۱۳۵۶، در مؤسسه برنامه‌ریزی ایران، زیر نظر دکتر احمد اشرف انجام شده) مشاغل عمده را به پنج گروه اصلی و ۱۸ گروه فرعی طبقه‌بندی کردیم.

جدول شماره ۲. طبقه‌بندی منزلتی مشاغل در گروه‌های مختلف براساس نظر پاسخگویان

به روش Cluster

گروه‌های کلی	گروه‌های جزئی	عنوان مشاغل	میانگین ارزش طیف	میانگین ارزش طیف
I	۱	پزشک ۹۷/۲ - استاد دانشگاه ۹۵/۸ - وزیر ۹۴/۲ - دندانپزشک ۹۴/۲ - سفیر ۹۴/۱	۹۵/۱	
	۲	مهندس راه و ساختمان ۹۱/۲ - استاندار ۹۰/۲ - خلبان ۹۰/۲ - قاضی دادگستری ۹۰/۲ - مدیر کل ۸۹/۴ - کارخانه‌دار بزرگ ۸۸/۴ - نماینده مجلس ۸۷/۴ - فرماندار ۸۷/۴ - شهردار ۸۶/۸ - وکیل دادگستری ۸۶/۴ - سرتیپ ۸۵/۶	۸۸/۴	۹۱/۷
II	۳	سرهنگ ۸۲/۸ - تاجر بازار ۸۱/۶ - رئیس شعبه بانک ۸۱/۶ - جواهر فروش ۸۱/۲ - مهندس کشاورزی ۸۰/۶ - سردبیر روزنامه ۷۹/۸ - نقاش هنرمند ۷۹/۶	۸۱/۰	
	۴	مدیر دبیرستان ۷۷/۴ - عضو هیأت مدیره شرکت ۷۶/۴ - گوینده صدا و سیما ۷۶/۰ - خبرنگار ۷۴/۶ - هتلدار ۷۴/۴ - فروش فروش ۷۳/۸ - صاحب چاپخانه ۷۲/۴ - روزنامه نگار ۷۱/۲	۷۴/۵	۷۷/۷
III	۵	روحانی ۶۹/۲ - تکنیسین آزمایشگاه ۶۸/۸ - رئیس کمیته ۶۸/۲ - آموزگار دبستان ۶۷/۴ - کتاب فروش ۶۷/۲ - مقاطع کار ۶۶/۰	۶۷/۸	
	۶	مهماندار هواپیما ۶۴/۴ - سرکارگر کارخانه ۶۲/۸ - صاحب چلوکبابی ۶۲/۶ - بهیار ۶۲/۴ - گل فروش ۶۱/۶ - مکانیک ۶۰/۴ - پاسدار ۶۰/۲ - تراشکار ۵۹/۴ - خواربارفروش ۵۸/۲ - آموزشیار نهضت ۵۸/۲ - کارمند عادی دولت ۵۷/۸ - کارمند بنیاد شهید ۵۷/۴	۶۰/۴	۶۴/۱

ادامه جدول شماره ۲.

گروه‌های کلی	گروه‌های جزئی	عنوان مشاغل	میانگین ارزش طیف	میانگین ارزش طیف
IV	۷	کشاورز ۵۶/۴ - نجار ۵۶/۲ - اغذیه فروش ۵۵/۶ - سنگ کار ساختمان ۵۵/۶ - صافکار ۵۵/۶ - فروشنده فروشگاه ۵۴/۸ - راننده قطار ۵۲/۴ - جالیزکار ۵۴/۰ - باغبان ۵۳/۶ - قالی باف ۵۳/۴ - پاسبان ۵۳/۲ - آهنگر ۵۳/۰ - نانوا ۵۲/۲ - جوشکار ۵۲/۲ - ماشین نویس ۵۰/۸ - پستی ۵۰/۰ - بنا ۵۰/۰ - کناش ۴۹/۶ - سلمانی ۴۹/۴ - تلفنچی ۴۹/۲ - گرمابه دار ۴۸/۸ - لوله کش ۴۸/۴ - راننده تاکسی ۴۸/۲ - راننده کامیون ۴۷/۴ - کارگر کارخانه ۴۶/۸ - کارگر معدن ۴۶/۲ - سمانورساز ۴۵/۲ - آشپز رستوران ۴۳/۸	۵۱/۲	۵۱/۲
V	۸	دلال ۴۲/۲ - نفت فروش ۴۲/۰ - کارگر پمپ بنزین ۴۱/۰ - کله پز ۴۰/۸ - چوپان ۳۸/۶ - قهوه چی ۳۸/۰ - پیشخدمت اداره ۳۷/۴ - رفتگر ۳۶/۲ - عمده ساختمان ۳۴/۰ - دستفروش ۳۴/۰ - واکسی ۳۳/۶	۳۸/۰	۳۸/۰

پس از تعیین ارزش منزلتی مشاغل، مشاغل پاسخگویان در این بررسی به شرح جدول شماره ۳ طبقه بندی گردید. چنانکه ارقام جدول نشان می دهد معادل دو سوم از پاسخگویان در مشاغل بالا و متوسط به کار اشتغال داشته اند. البته یادآوری می شود که توزیع درصد شاغلان در گروه های مختلف منزلت شغلی در این بررسی فقط مربوط به مردان شاغل ۳۰ سال به بالا می باشد و اگر شاغلان جوان را نیز در نظر بگیریم، قطعاً سهم شاغلان در رده های پایین بیشتر از ارقام فوق به دست می آید.

شاخص محله مسکونی

در اکثر شهرها به خصوص شهرهای بزرگ، محلات و مناطق شهر از نظر تأسیسات و

امکانات زیربنایی و نحوه شیب اراضی و چگونگی مسیر بادهای، به صورت مدارج ارزشی، طبقه‌بندی می‌شوند. در شهر تهران مناطق بیست‌گانه چنین وضعیتی ندارند و فقط فلسفه همسایگی یا همجوار بودن در آن رعایت شده است و در بسیاری از مناطق می‌توان دو یا چندگانگی وجود تأسیسات و تجهیزات شهری و نابرابری قیمت منطقه‌ای اراضی را مشاهده کرد. در این بررسی به مسأله مرغوبیت محلات در هر منطقه توجه و محلات مختلف تهران را از نظر امکانات و تأسیسات شهری، وضع شیب اراضی، چگونگی کاربری اراضی، وضع آسفالت و جدول‌بندی خیابانها و تراکم مسکونی به پنج منطقه از محلات بالای بالا تا محلات خیلی پایین طبقه‌بندی نمودیم و برای ساکنان این محلات رتبه ۵ تا ۱ تعیین کردیم. نتایج این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که محلات مسکونی نزدیک به نیمی از پاسخگویان در حد متوسط بود. ۳۶ درصد در محلات پایین، ۸/۴ درصد در محلات بالا، ۴/۱ درصد در محلات خیلی پایین و ۳/۵ درصد نیز در محلات بالای بالا ساکن بودند.

جدول شماره ۳. توزیع جامعه نمونه بر حسب گروههای مختلف شغلی به تفکیک بومی و مهاجر

گروههای بزرگ	گروههای کوچک	بومی	مهاجر	کل
I	۱-۱. کارمندان عالی رتبه دولت	۰/۵	۰/۸	۰/۶
	۱-۲. صاحبان صنایع بزرگ، تجار عمده، مدیران شرکتهای بزرگ	۱/۷	۱/۶	۱/۷
	۱-۳. صاحبان مشاغل تخصصی در سطوح بالا	۷/۷	۵/۷	۶/۹
II	۲-۱. کارمندان ارشد دولت	۱۸/۰	۱۹/۳	۱۸/۵
	۲-۲. صاحبان صنایع کوچک، عمده فروشان و مدیران فروش	۶/۲	۳/۳	۵/۰
	۲-۳. صاحبان مشاغل تخصصی در سطوح میانه	۷/۲	۵/۷	۶/۶
III	۳-۱. کارمندان عادی دولت	۲۶/۹	۱۸/۳	۲۳/۴
	۳-۲. کارمندان عادی در بخش خصوصی	۳/۴	۳/۲	۳/۳
	۳-۳. کسبه و پیشه‌وران	۹/۰	۱۰/۸	۹/۷
	۳-۴. کشاورزان خرده مالک	-	۰/۳	۰/۱
IV	۴-۱. کارگران ماهر	۱۱/۷	۱۴/۶	۱۲/۹
	۴-۲. کارکنان جزء دولت	۴/۴	۷/۹	۵/۸
	۴-۳. کارگران نیمه ماهر	۱/۵	۳/۴	۲/۳
	۴-۴. کشاورزان صاحب نسق	۰/۲	-	۰/۱
V	۵-۱. کارکنان جزء در بخش خدمات خصوصی	۰/۵	۰/۷	۰/۵
	۵-۲. فروشندگان دوره گرد	۰/۲	۱/۳	۰/۷
	۵-۳. کارگران بدون مهارت در بخش خدمات خانگی و ساختمان	۰/۹	۲/۹	۱/۷
	۵-۴. کارگران کشاورزی و دامداری	۰/۱	۰/۳	۰/۱
	جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۰/۰۰۰۱ $\{pr\{x^2 > 58/87\}$ با ۱۷ درجه آزادی

شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان

در مرحله پنجم پس از تعیین پایگاههای اقتصادی، تحصیلی، شغلی و موضع محله مسکونی پاسخگویان، میزان همبستگی درونی هر یک از آنها با مجموع نتایج سایر متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفت و مشاهده گردید که هر چهار متغیر فوق در تعیین خط رگرسیونی شاخص طبقه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان مؤثر است؛ ولی ضریب تأثیر آنها یکسان نبوده و از حداکثر ۰/۳۳۸۴۷ (مربوط به شاخص پایگاه اجتماعی) تا حداقل ۰/۲۷۳۰۱ (مربوط به شاخص تحصیلی) نوسان داشته است. پس از احتساب ضرایب فوق در نمره هر یک از چهار شاخص تعیین کننده پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان، با محاسبه مجموع نمره‌های هر یک از پاسخگویان بر حسب این چهار شاخص، نمره پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها را به ۵ گروه از طبقات بالای بالا تا طبقات پایین پایین دسته‌بندی کردیم. نتایج این محاسبات در جدول شماره ۴ منعکس است.

جدول شماره ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب مراتب پایگاه اجتماعی - اقتصادی

مراتب پایگاه اجتماعی - اقتصادی	درصد
بالای بالا	۵/۴
بالا	۱۷/۵
متوسط	۳۸/۷
پایین	۳۲/۵
پایین پایین	۵/۹
جمع	۱۰۰/۰

براساس یافته‌های این تحقیق بیش از یک سوم از پاسخگویان در طبقه متوسط و ۳۸/۴ درصد در طبقات پایین و ۲۲/۹ درصد در طبقات بالا قرار داشته‌اند.

در مرحله آخر به منظور تعیین عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و میزان تأثیر هر یک از آنها در این شاخص، از طریق محاسبه ضریب همبستگی چند متغیره، معادله رگرسیونی پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان را به دست آوردیم. در این محاسبه از روش تحلیل قدم به قدم استفاده کردیم.

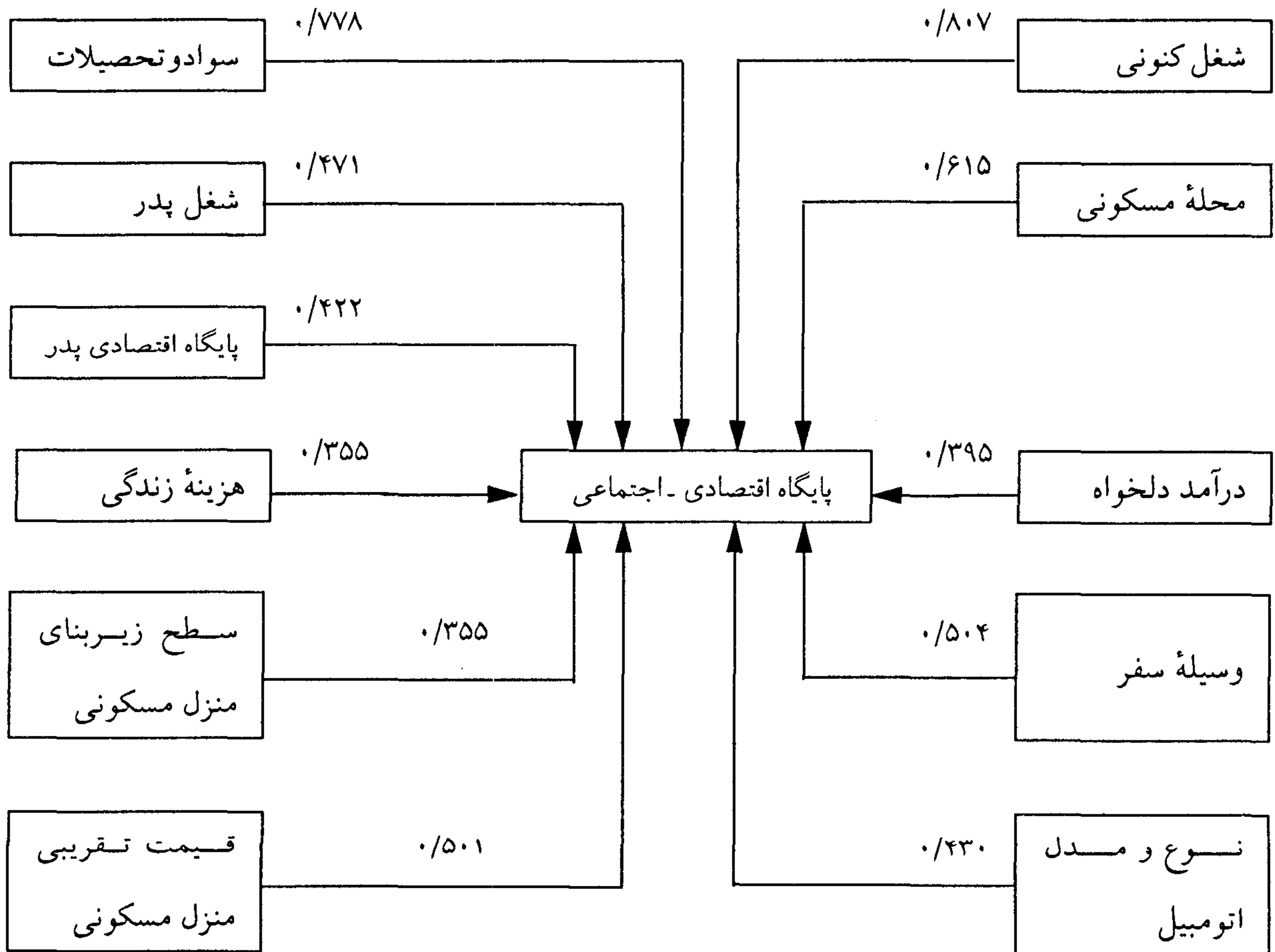
فرمول رگرسیونی عوامل مؤثر بر پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان به شرح زیر است:

$$\begin{aligned}
 \text{پایگاه اجتماعی - اقتصادی} = & 1/12175 + 0/34066 \text{ (محلۀ مسکونی)} + 0/33632 \text{ (تحصیلات)} \\
 & + 0/6789 \text{ (قیمت منزل مسکونی)} + 0/7061 \text{ (درآمد دلخواه)} + 0/7061 \text{ (شغل)} \\
 & + 0/29865 \\
 & + 0/6138 \text{ (وسیله سفر)} + 0/5836 \text{ (مشکلات محلۀ ای)} \\
 & + 0/5127 \text{ (هزینه زندگی)} + 0/3896 \text{ (وسیله نقلیه)} \\
 & \text{(درصد هزینه خوراک نسبت به کل هزینه های زندگی)} - 0/909 \text{ (سطح} \\
 & \text{زیربنا)} + 0/2788
 \end{aligned}$$

نمودارهای شماره ۱ و ۲ متغیرهای مداخله گر در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان را به روش تحلیل عامل نشان می دهند. با استفاده از فرمول فوق می توان با داشتن اطلاعاتی در زمینه متغیرهای فوق در مورد هر فرد پاسخگو، نمره پایگاه اجتماعی - اقتصادی او را محاسبه کرد.

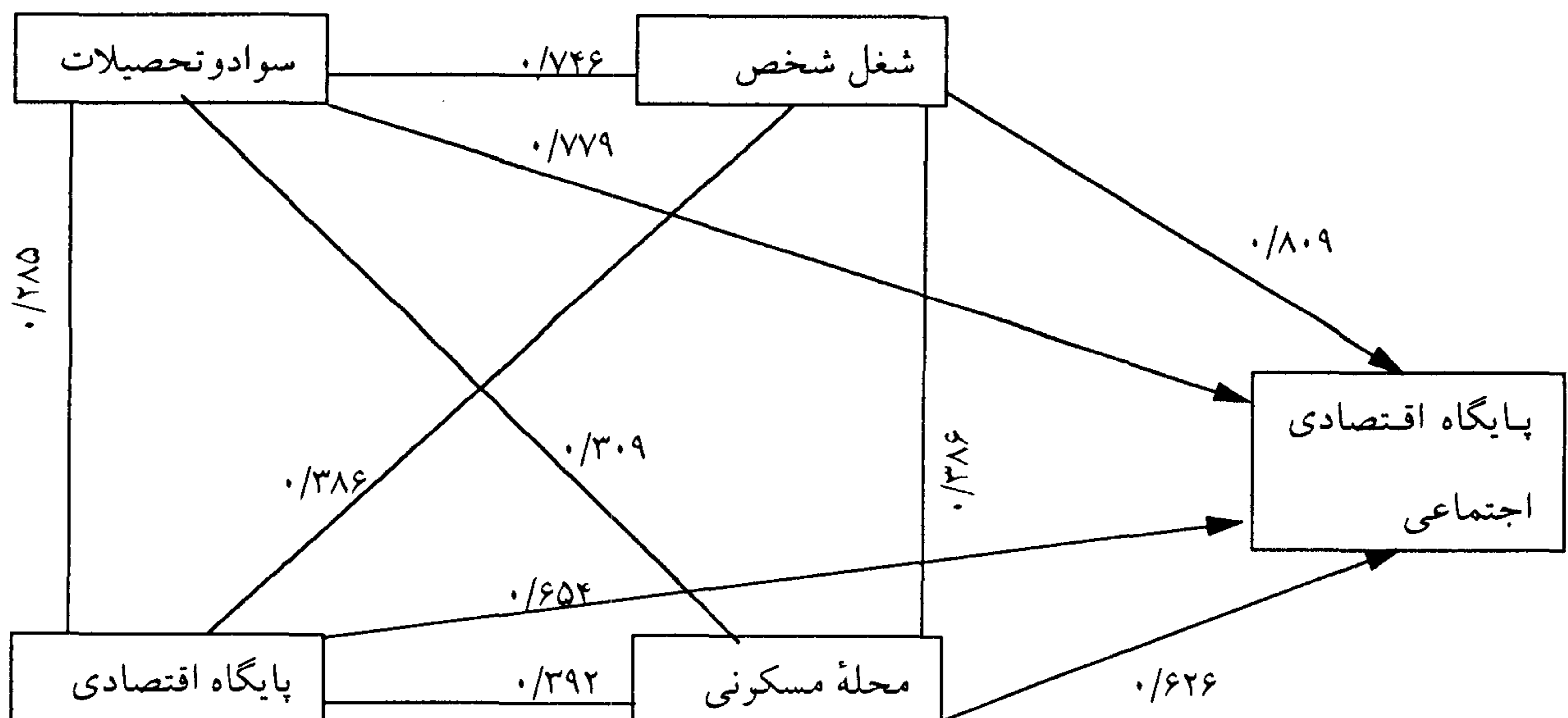
نمودار شماره ۱. متغیرهای مداخله‌گر در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان

به روش تحلیل عامل



نمودار شماره ۲. متغیرهای عمده مداخله‌گر در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان

به روش تحلیل عامل



شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر پاسخگویان

پس از تعیین مرتبه پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان، به منظور ارزیابی تحرک اجتماعی می‌بایست پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر پاسخگویان نیز مورسنجش قرار می‌گرفت. به همین جهت در این بررسی به سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر پاسخگویان نیز پرداختیم.

پس از تعیین سه متغیر مؤثر (منزلت شغلی، پایگاه اقتصادی و سواد و تحصیلات) در پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر پاسخگویان و میزان تأثیر هر کدام از آنها در شاخص فوق، نمره هر پاسخگو با احتساب این ضرایب محاسبه گردید. در نتیجه، پاسخگو یک نمره از طریق مجموع نمره‌های سه متغیر فوق کسب کرد. سپس توزیع درصد پاسخگویان را براساس نمره‌های کسب کرده در منحنی توزیع نرمال قرار دادیم و از طریق سنجش سطح زیر منحنی نرمال پایگاه طبقه‌ای، پدر پاسخگویان را به پنج رده، به شرح جدول شماره ۵ طبقه‌بندی کردیم.

جدول شماره ۵. مراتب پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر پاسخگویان

درصد	مراتب پایگاه اجتماعی - اقتصادی
۵/۱	بالای بالا
۱۰/۶	بالا
۴۲/۴	متوسط
۳۱/۱	پایین
۱۰/۸	پایین پایین
۱۰۰/۰	جمع

ارقام جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ۴۲/۴ درصد از پدران پاسخگویان در پایگاه طبقه‌ای متوسط، ۳۱/۱ درصد در طبقه پایین و ۱۰/۸ درصد نیز در طبقه خیلی پایین قرار داشته‌اند. در ضمن ۱۰/۶ درصد متعلق به طبقات بالا و ۵/۱ درصد در طبقات بالای بالا جای داشته‌اند.

بررسی تحرک اجتماعی بین نسلی (پسر به پدر) در میان پاسخگویان جهت سنجش تحرک اجتماعی در میان پاسخگویان، پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها را با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدرشان به شرح جدول شماره ۶ مقایسه کردیم. نتایج به دست آمده نشان داد ۳۱/۶ درصد از افراد واقع در طبقه اجتماعی - اقتصادی بالای بالا، ۴۰/۵ درصد از پاسخگویان واقع در رده بالا، ۴۸/۲ درصد از آنها در رده متوسط، ۱۸/۶ درصد از افراد واقع در رده پایین و ۳۱/۳ درصد از پاسخگویان واقع در رده پایین پایین، پایگاه طبقه‌ای مشابه پدران خود داشته یعنی تحرک اجتماعی نداشته‌اند. بقیه پاسخگویان دارای تحرک اجتماعی صعودی یا نزولی بودند.

جدول شماره ۶. توزیع پاسخگویان بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی پدرشان به تفکیک پایگاه اقتصادی - اجتماعی خودشان

کل						پایگاه اقتصادی اجتماعی
پایگاه اقتصادی - اجتماعی پدر پاسخگویان						
کل	پایین پایین	پایین	متوسط	بالا	بالای بالا	
۱۰۰/۰	-	-	۱۹/۳	۴۹/۱	۳۱/۶	بالای بالا
۱۰۰/۰	۰/۹	۳/۴	۳۷/۷	۴۰/۵	۱۷/۵	بالا
۱۰۰/۰	۲/۷	۱۱/۹	۴۸/۲	۳۱/۷	۵/۴	متوسط
۱۰۰/۰	۱۰/۲	۱۸/۶	۴۷/۹	۱۹/۸	۳/۶	پایین
۱۰۰/۰	۳۱/۳	۲۰/۸	۳۷/۵	۶/۳	۴/۲	پایین پایین
۱۰۰/۰	۴/۴	۹/۹	۴۲/۴	۳۲/۴	۴۰/۷	جمع

$$pr \{x^2 > 239/2439\} \leq 0/000 \text{ با } 16 \text{ درجه آزادی}$$

به منظور پی بردن به میزان تحرک اجتماعی پاسخگویان و صعودی یا نزولی بودن آن، تفاضل ارقام مربوط به ارزش طیف پایگاه اجتماعی - اقتصادی شخص را از ارقام مشابه برای پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر آن شخص به دست آوردیم که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۷. میزان تحرک اجتماعی پاسخگویان نسبت به پدرشان

درصد	میزان تحرک اجتماعی
۰/۳	-۳
۳/۳	-۲
۲۱/۹	-۱
۳۸/۷	۰
۲۷/۳	۱
۷/۴	۲
۰/۹	۳
۰/۲	۴
۱۰۰/۰	جمع

ارقام جدول فوق بیانگر این است که ۳۸/۷ درصد از کل پاسخگویان، فاقد تحرک اجتماعی (عمودی)، یعنی پایگاه طبقه‌ای آنها با پایگاه طبقه‌ای پدرشان یکسان بوده و بقیه دارای تحرک اجتماعی بوده‌اند. از این گروه ۲۵/۵ درصد دارای تحرک اجتماعی نزولی و ۳۵/۷ درصد دارای تحرک اجتماعی صعودی بودند.

با توجه به این ارقام می‌توان گفت که معادل یک سوم پاسخگویان نسبت به پدر خود تحرک اجتماعی نداشته و بقیه تحرک صعودی یا نزولی داشته‌اند. میزان تحرک اجتماعی صعودی افراد نزدیک به ۱/۵ برابر تحرک نزولی آنهاست.

تحرک اجتماعی صعودی در میان افراد بومی و تحرک نزولی در میان مهاجران بیشتر است. به طور کلی در میان افراد بومی مساوی ۵۹/۷ درصد و در میان مهاجران ۶۳/۵ درصد تحرک اجتماعی داشته‌اند.

میانگین تحرک اجتماعی صعودی مساوی ۱/۲۷ بوده یعنی هر شخصی که تحرک اجتماعی صعودی داشته به طور متوسط ۱/۲۷ واحد (جابه‌جایی بین طبقات ۱ تا ۵) نسبت به پدرش تحرک صعودی داشته است.

میانگین تحرک اجتماعی نزولی مساوی ۱/۱۵ بوده یعنی هر فردی که تحرک اجتماعی نزولی داشته به طور متوسط کمی بیش از یک طبقه از پدرش تنزل طبقه‌ای داشته است.

میانگین خالص تحرک اجتماعی با دخالت صعودی یا نزولی بودن آن برای کل

پاسخگویان برابر ۰/۱۶ به دست می‌آید. یعنی مردان شاغل ۳۰ ساله به بالای شهر تهران طی فاصله یک نسل (از پدر خود تاکنون) به طور متوسط ۰/۱۶ تحرک اجتماعی صعودی داشته‌اند. در اینجا باید متذکر شد که چون این رقم میانگینی از ارقام مثبت (تحرک صعودی) و ارقام منفی (تحرک نزولی) می‌باشد، ممکن است برای دو جامعه با تحرک صعودی و نزولی کم و زیاد، میانگین یکسانی به دست دهد. بنابراین میانگین تحرک اجتماعی نمی‌تواند شاخص خوبی برای مقایسه باشد و میزان تحرک به تفکیک صعودی و نزولی به نحو بهتری بازگو کننده چگونگی تحرک اجتماعی در یک جامعه است.

تحرک اجتماعی محاسبه شده در فوق، صد درصد مربوط به تحرک ناشی از گردش طبقات نیست و مقداری از آن به دلایل تحرک ساختی پدید آمده است، به همین جهت برای پی بردن به میزان تحرک ناشی از گردش طبقات به روش زیر عمل کردیم. در جدول شماره ۸ توزیع درصد پاسخگویان را در مراتب مختلف پایگاه اجتماعی - اقتصادی با مراتب پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدرشان مورد مقایسه قرار دادیم.

جدول شماره ۸. تحول وضع طبقاتی پاسخگویان در دو نسل

وضع طبقاتی	نسل پدران	نسل پسران
بالای بالا	۵/۱	۵/۴
بالا	۱۰/۶	۱۷/۵
متوسط	۴۲/۴	۳۸/۷
پایین	۳۱/۱	۳۲/۵
پایین پایین	۱۰/۸	۵/۹
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ارقام جدول فوق نشان می‌دهد که در فاصله دو نسل تحولات نسبتاً زیادی به وقوع پیوسته است. سهم نسبی طبقات بالای بالا تحول نسبتاً بطنی داشته (از ۵/۱ به ۵/۴ درصد رسیده)، طبقات بالا و پایین دگرگونی و شتاب بیشتری داشته (طبقات بالا از ۱۰/۶ درصد نسل پدران به ۱۷/۵ درصد نسل پسران رسیده و طبقات پایین از ۳۱/۱ درصد نسل پدران به ۳۲/۵ درصد نسل پسران رسیده است). در مقابل سهم طبقات متوسط و پایین به سرعت کاهش یافته است (طبقات متوسط از ۴۲/۴ درصد به ۳۸/۷ درصد و طبقات پایین پایین از ۱۰/۸ درصد به ۵/۹

درصد رسیده است).

طی محاسبه‌ای، میانگین منزلت طبقه‌ای پاسخگویان و پدرشان را حساب کردیم که به ترتیب برابر ۲/۸۲ و ۲/۶۵ به دست آمد، یعنی اگر به منزلت طبقه‌ای از پایین به بالا از نمره یک تا ۵ بدهیم متوسط پاسخگویان و پدرشان در رده کمتر از طبقه متوسط (نمره ۳) قرار می‌گیرند. تحرکی که در این بررسی مورد مطالعه قرار گرفت با تحرک اجتماعی گسترده‌ای همراه است که چگونگی آن در جدول شماره ۹ نمایش داده شده است. در این جدول کسانی که عده آنها در خانه‌های بالای قطر (خط دیاگونال) درج شده تحرک صعودی و کسانی که عده آنان در خانه‌های زیر قطر نوشته شده تحرک نزولی داشته‌اند؛ سرانجام کسانی که در خط قطر قرار دارند، بدون تحرک بوده‌اند. بدین ترتیب در محاسبه میزان تحرک به ارقام زیر می‌رسیم.

تحرک صعودی ۳۵/۸، تحرک نزولی ۲۵/۵، بدون تحرک ۳۸/۷ درصد.

جدول شماره ۹. تحرک اجتماعی مردان شاغل ۳۰ ساله به بالای ساکن شهر تهران

جمع	وضع طبقاتی شخص					وضع طبقاتی پدر
	پایین پایین	پایین	متوسط	بالا	بالای بالا	
	۱	۲	۳	۴	۵	
۱۵۰	۲۶	۸۳	۲۹	۹	۳	پایین پایین
	۲/۹۳	۱/۶۴	۰/۵۱	۰/۳۵	۰/۴۰	
۴۵۵	۴۱	۱۹۲	۱۷۰	۲۸	۴	پایین
	۱/۵۲	۱/۲۵	۰/۹۸	۰/۶۱	۰/۱۸	
۵۹۶	۱۶	۱۷۹	۲۵۹	۱۱۶	۲۶	متوسط
	۰/۴۵	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۳	۰/۸۸	
۱۴۰	-	۱۶	۶۴	۴۵	۱۵	بالا
	-	۰/۳۴	۱/۲۰	۱/۸	۲/۱۵	
۶۶	-	۴	۱۵	۲۵	۲۲	بالای بالا
	-	۰/۱۸	۰/۶۰	۲/۱۹	۶/۷	
۱۴۰۷ ⁺	۸۳	۴۷۴	۵۲۷	۲۴۳	۷۰	جمع
	۵/۹	۳۳/۷	۳۸/۲	۱۷/۳	۵/۰	

تفاوت ۱۴۰۷ از ۱۵۰۰ (حجم نمونه) به دلیل حذف اظهار نشده‌ها در سؤال مربوط به

تعیین پایگاه طبقه‌ای فرد می‌باشد.

$$pr \{x^2 > 226/24\} < 0/0001 \text{ با } 16 \text{ درجه آزادی}$$

کل تحرک اجتماعی برابر $61/3$ درصد به دست می‌آید. یعنی در تحویل و تحوّل میان دو نسل $38/7$ درصد نسل کنونی همان وضع طبقاتی نسل پیشین خود را حفظ کرده و $61/3$ درصد آن را تغییر داده‌اند. $35/8$ درصد پایگاهی بالاتر از پدران خود داشته‌اند و معادل $25/5$ درصد در جهت پایگاهی پایین‌تر از آنان حرکت کرده‌اند.

هنگامی که سخن از تحرک اجتماعی است دو حالت فرضی یا الگو را می‌توان تصور کرد: یکی حالت تحرک کامل، یعنی آنکه توزیع فرزندان در طبقات گوناگون کاملاً مستقل از وضع طبقاتی پدرانشان باشد. دیگر، حالت تحجر کامل، یعنی آنکه گذر از طبقه‌ای به طبقه دیگر اساساً ممنوع باشد (حالتی که کم و بیش در نظام کاست‌ها به چشم می‌خورد). (علی تبریزی ۱۳۶۱، ص ۴۹). حال اگر فرض نخست را بپذیریم توزیع افراد در خانه‌های گوناگون جدول از قانون ترکیب احتمال وقایع مستقل پیروی خواهد کرد. با برآورد احتمالات از مشاهدات، احتمال آنکه پدری در لایه پایین پایین باشد برابر $150/1407$ یا $0/107$ ، در لایه پایین مساوی $455/1407$ یا $0/323$ و همین‌طور تا بقیه طبقات قابل محاسبه است و احتمال آنکه فرزندان در همان لایه‌ها قرار گیرند به ترتیب برابر $83/1407$ یا 59% ، $474/1407$ یا $0/337$ و الی آخر خواهد بود. حال اگر رویدادها، مستقل از یکدیگر باشند در این صورت احتمال اینکه پدری و فرزندی مثلاً هر دو در لایه پایین باشند حاصل ضرب دو احتمال [یعنی $0/1088 = 0/323 \times 0/337$]. $(477/1407)$ مساوی $0/1088$ خواهد بود. پس در نمونه ۱۴۰۷ نفری امکان دارد تنها $10/88$ درصد یا ۱۵۳ نفر از فرزندان افراد متعلق به طبقه پایین بر اثر تصادف محض (که همان تحرک کامل است) خود نیز در طبقه پایین قرار گیرند. حال اگر عده مشاهده شده (تعداد کسانی که از پدران طبقه پایین مجدداً در طبقه پایین قرار گرفته‌اند) به طور معنادار بیشتر یا کمتر از این عدد باشد فرض تحرک کامل باطل است و خارج قسمت فراوانی مشاهده شده بر فراوانی موردنظر (مثلاً خارج قسمت ۱۹۲ به ۱۵۳ مساوی $1/25$ به دست می‌آید) که جدول ارائه شده مقدار و جهت این تفاوت را نمایان می‌سازد.

مثلاً در خانه اول جدول، شاخص $2/93$ نشان می‌دهد که فرزندان طبقه پایین پایین حدود ۳ برابر بیشتر از حد تحرک کامل وضع طبقاتی پدران خود را حفظ کرده‌اند و شاخص $0/40$ (در خانه پنجم ردیف اول) مبین آن است که گذر فرزندان طبقه پایین پایین به طبقات بالای بالا

۰/۴۰ تحرک کامل می باشد.

در حالت تحرک کامل، عبور از طبقه‌ای به طبقه دیگر میسر نیست. در این صورت در جدول فوق می بایستی همه فراوانیها در قطر اصلی تمرکز یابند. به سخن دیگر عدد ۱۵۰ همگی می بایست در خانه اول و یا عدد ۶۶ همگی در خانه آخر قرار گیرند.

تحوّل نیروهای تولید و دگرگونی در ساخت اجتماعی که در توزیع طبقاتی فرزندان منعکس است، مانع از آن است که حتی در شرایط "موروثی" مبادلات بین طبقات صفر باشد؛ یعنی هیچ گونه تحرک اجتماعی روی ندهد.

حداقل تحرکی که برای پاسخگویی به دگرگونی نیروهای مولد و تغییر ساخت جامعه لازم است "تحرک ساختی یا تکنولوژیکی" نامیده می شود. مثلاً در نمونه ما در لایه طبقات پایین پایین (برای پدران) ۱۵۰ نفر وجود داشته انتقال ۶۷ نفر ($67 = 150 - 83$) از این گروه به گروههای دیگر به دلایل ساختی اجتناب ناپذیر است.

این محاسبه که در جدول شماره ۱۰ انجام شده نشان می دهد که روی هم ۶۷ نفر از افراد متعلق به طبقات پایین پایین و ۵۹ نفر از افراد متعلق به طبقه متوسط ناگزیر باید به دیگر لایهها کوچ کنند.

جدول شماره ۱۰. محاسبه تحرک ساختی شاغلان ۳۰ ساله به بالای شهر تهران نسبت به پدرشان

وضع طبقاتی	پدران	فرزندان	تفاوت	درصد
بالای بالا	۶۶	۷۰	+۴	+۶/۱
بالا	۱۴۰	۲۴۳	+۱۰۳	+۷۳/۴
متوسط	۵۹۶	۵۳۷	-۵۹	-۹/۹
پایین	۴۵۵	۴۷۴	+۱۶	+۴/۱
پایین پایین	۱۵۰	۸۳	-۶۷	-۴۴/۷
جمع	۱۴۰۷	۱۴۰۷	-	-

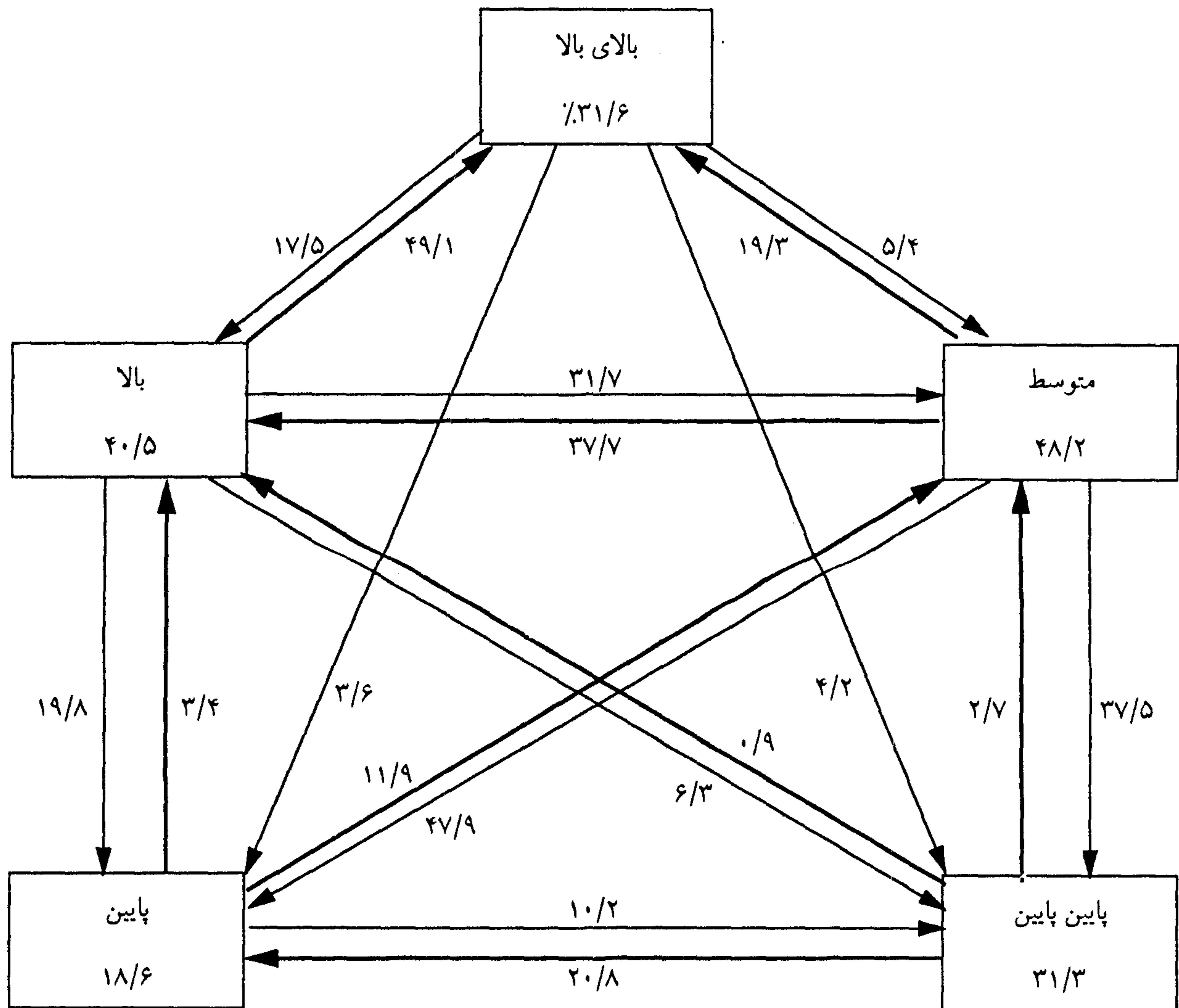
پس تحرک ساختی معادل ۸/۹ درصد ($67 + 59/1407$) کل نقل و انتقالهاست. حال اگر این مقدار را از کل تحرک که برابر ۶۱/۳ درصد بوده کسر کنیم، مقدار تحرک ناشی از گردش طبقات ($52/4 = 61/3 - 8/9$) برابر ۵۲/۴ درصد به دست می آید.

در اینجا باید متذکر شد که چون طبقات اجتماعی در شهر تهران در این بررسی براساس

سلسله مراتب اجتماعی از بالای بالا یا پایین پایین رتبه بندی شده است، امکان مطالعه تحرک افقی وجود نداشته است.

نمودار شماره ۳. جریانهای بزرگ مهاجرت اجتماعی (بین نسلی) مردان ۳۰ ساله به بالای شاغل

در شهر تهران



آزمون فرضیه‌های مربوط به تحرک اجتماعی

- از میان فرضیه‌های مختلف طرح شده در این بررسی فرضیه‌های زیر به اثبات رسیدند.
۱. تحرک اجتماعی با منشأ جغرافیایی افراد ارتباط دارد، بدین ترتیب که تحرک اجتماعی بین متولدان روستایی و شهرهای دیگر بیش از متولدان تهران است.
 ۲. تحرک اجتماعی باسواد و تحصیلات پاسخگویان ارتباط مستقیم دارد (یعنی هر چه افراد باسوادتر میزان تحرک اجتماعی آنها بیشتر).
 ۳. تحرک اجتماعی با منزلت شغلی پاسخگویان ارتباط مستقیم دارد. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان تحرک در طبقات پایین پایین (تحرک نزولی) و بالای بالا (تحرک صعودی) بیش از طبقات پایین و متوسط است.
 ۴. میزان و نوع تحرک اجتماعی با سن ازدواج افراد رابطه مستقیم دارد. هر چه سن ازدواج بالاتر باشد میزان تحرک از نوع تحرک صعودی بیشتر است.
 ۵. تحرک اجتماعی در میان افراد کم‌درآمد کمتر است.
 ۶. میزان تحرک اجتماعی با پایگاه طبقاتی پدر افراد ارتباط معکوس دارد، بدین صورت که در طبقات بالا، تحرک اجتماعی نزولی و در طبقات پایین، تحرک اجتماعی صعودی بیشتر است.
 ۷. تحرک اجتماعی با پایگاه طبقاتی افراد ارتباط مستقیم دارد به طوری که در طبقات بالا تحرک صعودی و در طبقات پایین تحرک نزولی بیشتر است.
 ۸. تحرک اجتماعی با محله مسکونی افراد ارتباط دارد، بدین صورت که در محلات مرفه‌نشین تحرک صعودی و در محلات فقیرنشین تحرک نزولی بیشتر است.
- نتایج این بررسی نشان داد که جامعه شهر تهران از نظر ساختار طبقاتی یک جامعه باز است، به طوری که امکان جابه‌جایی و تحرک اجتماعی برای افراد وجود دارد ولی میزان این تحرک بسیار ناچیز است و افراد به ندرت می‌توانند موضع طبقاتی خود را نسبت به پدرشان تغییر بدهند؛ با توجه به اینکه تعداد زیادی از جابه‌جایی‌های طبقاتی در شهر تهران شامل تحرک نزولی است.

نتیجه

از مطالعه آرای جامعه‌شناسان پی می‌بریم که طبقات اجتماعی، در هر جامعه، نمودی بی‌نهایت پیچیده است و برای توزیع آحاد جامعه به طبقات مختلف باید چندین ملاک را با هم ترکیب کرد. در این بررسی با اتکا به نظرهای ماکس وبر و هالبواکس، معیارهای عمده طبقه‌بندی اجتماعی را "ملاکهای اقتصادی" (مانند درآمد دلخواه، هزینه زندگی، قیمت منزل مسکونی، سطح زیربنای منزل مسکونی، تملک وسیله نقلیه و ..)، "منزلت شغلی"، "منطقه محل مسکونی" و "سواد و تحصیلات" در نظر گرفتیم.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود که سن پاسخگویان از حداقل ۳۰ سال تا حداکثر ۷۲ سال در نوسان بوده، ۳۸ درصد از پاسخگویان متولد تهران و بقیه مهاجر بودند که در بین آنها بیشترین سهم به متولدان مناطق روستایی (۲۸ درصد) و شهرهای متوسط (۱۳/۶ درصد) اختصاص داشته است.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان به روش مجموع نمره‌ها از شاخصها محاسبه و مشاهده شد که ۵/۴ درصد از آنها در رده بالای بالا، ۱۷/۵ درصد در رده بالا، ۳۸/۷ درصد در رده متوسط، ۳۲/۵ درصد در رده پایین و ۵/۹ درصد نیز در رده پایین قرار دارند.

سنجش میزان تحرک اجتماعی پاسخگویان نشان داد که ۳۸/۸ درصد از آنها تحرک اجتماعی عمودی نداشته، ۳۵/۷ درصد تحرک اجتماعی صعودی و ۲۵/۵ درصد تحرک اجتماعی نزولی داشته‌اند. این ارقام حاکی از آن است که جامعه ایران از نظر جابه‌جایی طبقاتی یک جامعه تقریباً باز است.

تحرک اجتماعی مشاهده شده صددرصد مربوط به تحرک ناشی از گردش طبقات نیست و بخشی از آن به دلیل تحرک ساختی است. میزان تحرک ساختی معادل ۸/۹ درصد از کل نقل و انتقالها می‌شود، بنابراین ۵۲/۴ درصد از تحرک اجتماعی در شهر تهران ناشی از گردش طبقات بوده است.

نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که میزان جابه‌جایی و تحرک اجتماعی شاغلان در شهر تهران، در حد یک طبقه است؛ یعنی هر فردی به طور متوسط نسبت به پدر خود یک طبقه می‌تواند جابه‌جایی طبقه‌ای داشته باشد. با توجه به اینکه حدود ۴۰ درصد از این افراد در جهت نزولی تحرک طبقه‌ای و در موقعیتی پایین‌تر از موقعیت اقتصادی - اجتماعی پدر خود قرار دارند.

عوامل عمده تحرک اجتماعی، عبارت‌اند از منشأ جغرافیایی (شهر یا روستا)، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی فرد و پدرش.

تحرک اجتماعی در میان پاسخگویان مهاجر (۶۳/۵ درصد) کمی بیش از پاسخگویان بومی (۵۹/۷ درصد) بوده ولی میزان تحرک اجتماعی صعودی در میان بومیان بیش از مهاجران و تحرک اجتماعی نزولی نزد مهاجرین بیشتر بوده است.

مآخذ

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اتسلندر، پتر (۱۳۷۱)، روشهای تجربی تحقیق اجتماعی، ترجمه بیژن کاظمزاده، مشهد، انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- اشرف، احمد (۱۳۴۶)، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی در امریکا، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- برزین، سعید (۱۳۷۳)، ساختار سیاسی طبقاتی و جمعیتی در ایران، تهران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هشتم، شماره نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم.
- باتومور، تی بی (۱۳۶۷)، طبقات اجتماعی در جوامع جدید، ترجمه اکبر مجدالدین، تهران، انتشارات آگاه.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات توتیا.
- تبریزی، علی (۱۳۶۰)، دو یادداشت درباره تحول جمعیت و تحرک اجتماعی، کتاب آگاه، تهران، انتشارات آگاه.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تاریخچه جامعه‌شناسی، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- گوروویچ، ژرژ (۱۳۵۲)، مطالعه درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، چاپخانه دانشکده علوم اجتماعی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لاروک، پی‌ییر (۱۳۴۶)، طبقات اجتماعی، ترجمه ایرج علی آبادی، تهران، چاپ جیبی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۶۶)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ هشتم.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم.

- وثوقی، منصور (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات خردمند.
- هالبواکس، موریس (۱۳۴۶)، طرح روانشناسی طبقات اجتماعی، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.